

## مقاله پژوهشی: ارائه الگوی مدیریت راهبردی دانش با تکیه بر اسلام ناب محمدی (ص)

حجت‌الاسلام دکتر حسین تاج‌آبادی<sup>۱</sup>، مصطفی نجاتی<sup>۲</sup>، منصور نیک‌چهره گل‌افزانی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۹۷/۶/۶

تاریخ پذیرش: ۹۷/۷/۱۲

### چکیده

نیاز به مدیریت راهبردی دانش مبتنی بر آموزه‌های اسلام ناب محمدی (صلی‌الله‌علیه‌وآله) بر اساس مبانی، مبانی، موضوعات، مسائل و غایات منطبق با نص صریح قرآن کریم، روایات و احادیث اسلامی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. هدف اصلی در این تحقیق؛ دستیابی به مشخصات و مختصات مدیریت راهبردی دانش بر اساس اسلام ناب محمدی (صلی‌الله‌علیه‌وآله) است و بر همین اساس الگوی آن ارائه گردیده است. ماهیت پژوهش حاضر بنیادی و روش بکار گرفته شده آمیخته (کیفی/کمی) با هدف شناسایی الگوی مدیریت راهبردی دانش که مبتنی بر اسلام ناب محمدی (صلی‌الله‌علیه‌وآله) باشد، تعریف گردیده است. ابزار و روش گردآوری داده‌ها شامل، مطالعات کتابخانه‌ای علمی و تخصصی، مقالات و رساله‌های علمی و پژوهشی و پرسشنامه و مصاحبه می‌باشد. در این پژوهش تحلیل داده‌ها متناسب با سوال‌ها و فرضیه‌ها بر اساس تجزیه و تحلیل آماری، تحلیل عاملی و خوشه‌ای صورت گرفته است. نتایج حاصله دلالت بر شناسایی دو بُعد عینی و ذهنی است که در بُعد ذهنی سعی شده به مبانی، مبانی، موضوعات، مسائل و غایات دانش، مدیریت دانش و مدیریت راهبردی دانش و در بُعد عینی مولفه‌های ساختاری، روشی، فرآیندی و محتوایی به همراه شاخص‌های آنها، پرداخته شود. برازش کلی در تجزیه و تحلیل بر اساس داده‌های حاصل از پرسشنامه صورت گرفت تا روابط بین ابعاد و همچنین بین مولفه‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. در پایان به ارائه الگوی مدیریت راهبردی دانش که مبتنی بر اسلام ناب محمدی (صلی‌الله‌علیه‌وآله) اقدام گردید.

**کلیدواژه‌ها:** مدیریت راهبردی، مدیریت دانش، مدیریت راهبردی دانش، اسلام ناب محمدی (ص)  
**هشتمه**

۱. دانشیار و عضو هیات علمی دانشگاه صنعتی مالک اشتر E:HT171819@GMAIL.COM
۲. دانشجوی دکتری مدیریت راهبردی دانش دانشگاه عالی دفاع ملی mostafa\_nejaty@yahoo.com
۳. دانشجوی دکتری مدیریت راهبردی دانش دانشگاه عالی دفاع ملی M.Nikchehreh@yahoo.com

در قرآن مجید و منابع دین مبین اسلام و روایات موثق اسلامی از نبی مکرم اسلام محمد مصطفی (صلی الله علیه وآله) و ائمه اطهار (سلام الله علیهم) به صورت مکرر بر دانش و کسب دانش توصیه و تاکید شده است بنحوی که از پیامبر اسلام نقل شده «أَوَّلُ الْعِلْمِ الْأَنْصَاتُ ثُمَّ الْإِسْتِمَاعُ ثُمَّ الْحِفْظُ ثُمَّ الْعَمَلُ ثُمَّ النَّشْرُ» (دیلمی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۱۴). در این بُرهه از زمان و در ادامه راه معصومین (سلام الله علیهم)، حضرت امام خمینی (رحمه الله علیه) و حضرت آیت الله خامنه‌ای (مدظله العالی) بر نقش غیرقابل انکار دانش برای سربلندی و پیشرفت جامعه اشارات مبسوطی فرموده‌اند. مساله اصلی پژوهش با توجه به اینکه به‌طور عقلی، منطقی و تحقیقی، دانش و به تبع آن مدیریت راهبردی دانش، در پیشرفت و اقتدار کشور تاثیر و نقش آفرینی بالایی را ایفاء می‌کند، لیکن مدیریت راهبردی دانش کنونی در کشور کاملاً بر اساس جهانبینی، مبانی و ادبیات غرب استوار است و پاسخگوی نیاز کشور ما با جهان بینی و مبانی اسلامی خصوصاً در بلند مدت نخواهد بود. همچنین این موضوع می‌تواند در پایین آمدن بهره‌وری مدیریت راهبردی دانش در کشور موثر باشد چرا که مدیریت راهبردی دانش با تکیه بر اسلام ناب در مبادی، مبانی، موضوعات، مسائل و غایات متفاوت از مدیریت راهبردی دانش با تکیه بر جهانبینی و مبانی و غایات غیراسلامی است. لذا دانش و به تبع آن مدیریت دانش در چرخه دانش که عبارت است از: خلق، کسب، اشتراک، توزیع، توسعه و بکارگیری دانش و به خصوص در مقیاس و موضوعات راهبردی آن، به عنوان مدیریت راهبردی دانش شناخته می‌شود، در هر نظام و حکومتی از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. به‌نظر می‌رسد اگر مدیریت راهبردی دانش مطابق با فرهنگ و جهانبینی اسلامی تنظیم و تدوین و با بیان دیگر بومی کشور گردد، می‌توان به کاربردی بودن و تحقق پذیری در موضوعاتی که متصل به این حوزه است امیدوار بود، چرا که اهمیت مدیریت راهبردی دانش در مقطع زمانی کنونی با توجه به نقش آفرینی و تاثیرگذاری بر دانش بنیان کردن عرصه‌های راهبردی از اهمیت زیادی برخوردار بوده و بومی شدن آن در عین استفاده از دستاوردهای علمی دنیا در این حوزه، بسیار پُراهمیت است. همچنین تاکید رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) بر تحول در علوم انسانی از دیگر دلایل ایجابی اهمیت در پرداختن به این موضوع می‌باشد. مدیریت راهبردی دانش که اکنون در کشور ارائه می‌شود در مرحله نظر و

عمل نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای کشور خصوصاً در بلند مدت در این حوزه باشد و به مرور تناقضها و تضادها نمایان می‌شود. این امر ضرورت تدوین مدیریت راهبردی دانش که بر اساس حوزه معرفت شناختی، هستی شناختی، انسان شناختی و روش شناختی اسلامی است را بیش از پیش توجیه می‌کند. هدف اصلی در این مطالعه، دستیابی به مشخصات و مختصات مدیریت راهبردی دانش بر اساس اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله) است. بر همین اساس سوالی که مطرح می‌شود عبارت است از: الگوی مدیریت راهبردی دانش با تکیه بر اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله) چگونه است؟ با توجه به ماهیت موضوع پژوهش و نوع روش تحقیق، این پژوهش، سوال محور بوده و به سوال‌های تحقیق پاسخ می‌دهد؛ از سوی دیگر در این تحقیق پس از دستیابی به نظام متغیرها و تبیین رابطه و نسبت بین متغیرها، دو فرضیه اصلی زیر نیز ارائه شده است.

الف. بین الگوی مدیریت راهبردی دانش با تکیه بر مکتب اسلام ناب محمدی (ص) و ابعاد عینی و ذهنی رابطه معنا داری وجود دارد.

ب. بین بعد عینی و مولفه‌های ساختاری، رفتاری، فرآیندی و جهت‌دهندگی رابطه معناداری وجود دارد.

## مبانی نظری و پیشینه‌شناسی تحقیق علم و دانش

دانشمندان تعاریف متعددی از علم و دانش ارائه کرده‌اند. معمولاً اصطلاح انگلیسی Science را معادل علم و Knowledge را معادل دانش می‌دانند. با مراجعه به تفسیر آیات قرآن مجید، می‌توان نکات اساسی در مورد علم و دانش را احصا کرد. با عنایت به اینکه روایات و احادیث بسیاری در خصوص رابطه علم (در حوزه آثار، نتیجه، کسب و...) و عمل وجود داشته است، لذا برخی از آنها به شرح ذیل ارائه می‌شود.

۱. پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) فرموده‌اند: «العالمُ مَنْ يَعْمَلُ» عالم کسی است که عمل کند.

۲ - پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) فرموده‌اند: «لا تَكُونُ عَالِمًا حَتَّى تَكُونَ بِالْعِلْمِ عَامِلًا» تا به

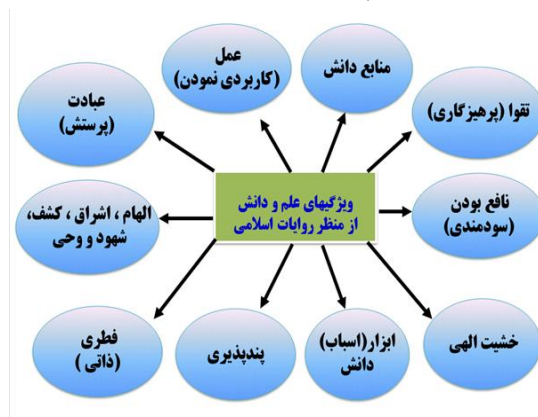
دانش عمل نکنی دانا نباشی.

امام علی<sup>ع</sup> (علیه السلام) فرموده‌اند: «ثَمَرَةُ الْعِلْمِ الْعِبَادَةُ» ثمرهی دانش پرستش است.  
پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) فرموده اند: «فَطَوْبَى لِمَنْ عَقَلَ وَعِلِمٌ» خوشا به حال آنکه خرد ورزید و دانست.

آیاتی که درباره علم الهی است.	<ul style="list-style-type: none"> <li>• علم خداوند به امور پنهانی</li> <li>• احاطه علم الهی بر همه چیز</li> <li>• علم خداوند به غیب عین شهود است.</li> </ul>
آیاتی که درباره علم پیامبر اسلام (ص) و سایر پیامبران (س) است.	<ul style="list-style-type: none"> <li>• عصمت علمی</li> <li>• اختصاص بعضی علوم به آنان</li> <li>• احاطه علمی</li> </ul>
آیاتی که در تبیین امت و ارزش علم و دانش است.	<ul style="list-style-type: none"> <li>• علم و معیار و ملاک انتخاب و گزینش افراد برای مناصب</li> <li>• علم را سبب جانشینی انسان از طرف خداوند بر زمین می دانند.</li> <li>• علم سبب و جوب اطاعت و تواضع دیگران</li> <li>• علم آموزی هدف انبیاء</li> <li>• ترس دانشمندان از خداوند</li> </ul>
آیاتی که مفهوم آن ها در باب علم و دانش است.	

شکل شماره ۱- علم و دانش از منظر قرآن (مطالعه گروهی دوره چهارم دانش، ۱۳۹۷ صفحه ۳۹)

ویژگی های علم و دانش در اسلام نیز برابر شکل زیر قابل ارائه است.



شکل شماره ۲- ویژگی های علم و دانش در اسلام (مطالعه گروهی دوره چهارم دانش، ۱۳۹۷)

مدیریت راهبردی دانش

دانش در لغت نامه دهخدا با دانش با دانستن، علم دانستن، داندگی، دانایی (دهخدا، ۱۳۷۳: ۹۱۱۶) و در فرهنگ فارسی معین با دانستن، علم، معرفت (معین، ۱۳۴۳: ۱۴۹۰) و در فرهنگ لغت عمید با دانستن، عمل دانستن، علم و بیت شعری با عنوان «ز دانش به آندر جهان هیچ نیست / تن مُرده و جان نادان یکی است (اسدی)» (عمید، ۱۳۶۵: ۱۰۹۱) معرفی شده است. در فرهنگ دانشگاهی انگلیسی- فارسی معادل نُولج را دانش، معرفت، وقوف، دانایی، علم، آگاهی، خبر، اطلاع، شناسایی، معلومات، حکمت (آریانپورکاشانی، ۱۳۶۹: ۱۲۰۳) معرفی کرده است. پذیرش مفهوم دانش به عنوان نتیجه یک فرایند به جای یک یا چند «امر» عینی، اشاراتی به مسیری دارد که ممکن است ما را به «مدیریت کردن» دانش هدایت کند. علاوه بر اتکا به مفروضات سنتی مدیریت دانش که در آن دانش می تواند «تملک، اندازه گیری و کنترل شود» (استیسی، ۲۰۰۱: ۳) فعالیت‌های مدیریت دانش باید به راه‌هایی توجه کند که فرایندهای دانستن را بتوان به طور مؤثری در سازمان‌ها تسهیل کرد.

#### جدول شماره ۱- برخی تعاریف مدیریت دانش (انصاری رنانی و قاسمی نامقی، ۱۳۸۸)

محقق	تعریف مدیریت دانش
جونز (۲۰۰۵)	رویکردی یکپارچه و نظامند در جهت تشخیص مدیریتی و تسهیم کلیه دارایی‌های فکری شامل پایگاه‌های داده، مستندات، رویه‌ها، و سیاستها و تجارب موجود در ذهن افراد
دانرام (۲۰۰۵)	کاربرد نظامند و هدفمند معیارهایی جهت هدایت و کنترل دارایی‌های دانش ملموس و ناملموس سازمان با هدف استفاده از دانش موجود در داخل و خارج سازمان جهت خلق دانش جدید، ایجاد ارزش، ابداع و بهبود
بکمن (۲۰۰۴)	سازوکاری برای دستیابی به تخصص، دانش و تجربه، که قابلیت‌های جدید را فراهم می‌کند، عملکرد بهتری را موجب می‌شود، نوآوری را تشویق می‌کند و ارزش‌های مطلوب ذینفعان را افزایش می‌دهد.
اسمیت (۲۰۰۳)	سازوکاری برای ایجاد محیط کاری که در آن دانش و تخصص به آسانی توزیع شود و ایجاد شرایطی که دانش و اطلاعات بتواند در زمان مناسب در اختیار افراد قرار بگیرد. به گونه‌ای که آنها بتوانند به صورت موثرتر و با کارایی بیشتری فعالیت کنند.
اودل (۲۰۰۰)	رویکردی نظامند جهت یافتن، درک و استفاده از دانش جهت خلق ارزش

مدیریت راهبردی دانش با تعریف مَوْسَع و مَضِیق: مدیریت راهبردی دانش رویکردی راهبردی به مدیریت دانش (در معنای مَضِیق آن) عبارت است از تصمیمات نظام‌مندی است، مبتنی بر بسیج منابع و امکانات دانشی، در راستای تدوین، اجرا و کنترل راهبرد، اتخاذ و منجر به کشف و کسب، ذخیره، انتشار، بکارگیری، تولید و توسعه و ارزیابی دانش می‌گردد. تامین منابع چرخه دانش و تولید ارزش‌های نوین. (حرکت در جهت اهداف کلان در چارچوب چرخه دانشی و ایجاد ارزش‌های نوین).

مدیریت دانش در تعریف با توجه به چرخه آن: عبارت است از راه‌هایی برای کشف و ایجاد، نوآوری و حل مسائل مورد ابتلا و ذخیره دانش سازمانی، انتقال آن به کارکنان و مشارکت آنها در این فرایند. هدف از این فرایند بهره‌برداری از دانش سازمانی با کفایت و مقتضی در محدوده قابلیت و توانایی دانشوران و دانش‌کاران همراه با به کارگیری امکانات و تجهیزات جدید و فناوری اطلاعات تا حداکثر ممکن برای انجام کارها و وظایف ایشان است (نعیم ابراهیم الظاهر، ۲۰۰۸).

تعریف مختار محققین از مدیریت راهبردی دانش مبتنی بر اسلام ناب محمدی (ص) عبارت است از: مدیریتی است که از طریق تعیین دقیق دانش مورد نیاز، دانش موجود و تحلیل شکاف دانشی و ارائه راه کارهای مناسب پر کردن شکاف مزبور، امکان دستیابی به حداکثر اهداف با صرف بهینه منابع منطبق بر هست‌ها و نیست‌ها (هستی شناسی) باید‌ها و نباید‌ها (احکام الهی)، شاید‌ها و نشاید‌ها (اخلاقیات و نظام ارزش‌های اسلامی) با رویکرد راهبردی منبعث از اسلام ناب محمدی (ص) را فراهم می‌کند (مطالعه گروهی، ۱۳۹۷).

### مدیریت راهبردی دانش با تکیه بر مکتب اسلام ناب

۱) مدیریت راهبردی دانش در تعریف به ماهیت، عبارت است از علم و هنر بکارگیری بهینه منابع برای دستیابی به حداکثر اهداف کلان. علم و هنر مزبور از طریف فرآیند استنباطی - حکمی از تدابیر امامین انقلاب و منابع اساسی اسلام شامل کتاب و سنت، عقل و اجماع حاصل می‌شود. دانش بشری و عقل و اجماع

تنها در صورت عدم تعارض با منابع پیش گفته که از به بعد نصوص نامیده می شوند معتبر هستند.

۲) تعریف مدیریت راهبردی دانش با تکیه بر مکتب اسلام ناب به فرآیند عبارت است از فرآیند تجزیه و تحلیل وضعیت دانش موجود، ترسیم دانش مورد نیاز در وضع مطلوب و در نهایت تحلیل شکاف دانشی بین سطح موجود و مطلوب و ارائه راهبردهای دانشی مناسب مبتنی بر کتاب، سنت و عقل و اجماع به همراه دانش بشری، مستند بر منابع مزبور جهت پرکردن خلاء حاصل. لازم بذکر است که الگوی مناسب مقتضی (تحلیل وضع موجود و ترسیم وضع مطلوب دانشی) نظام ج.ا.ا. در فرآیند پژوهش در قالب ابعاد ذهنی و عینی و در بعد عینی مبتنی بر الگوی چهار شاخگی پیشنهاد گردیده است.

مطالعه ادبیات نشان می دهد سه مختصه اساسی در مدیریت راهبردی دانش با تکیه بر مکتب اسلام ناب محمدی<sup>(ص)</sup> به شرح ذیل مطرح است:

۱. باور، ایمان و عقیده انسانها، سهمی جدی در معرفت شناسی انسان دارد، به این معنا که اندیشمند اسلامی، مؤمن به حقایق قرآن است؛
۲. کسب معرفت، فقط بر منابع و داده های حسی استوار نیست، بلکه معرفت در ابعاد دیگری چون شهود، عقل، وحی و سنت نیز قابل دریافت است؛
۳. واقعیت مشهود اجتماعی، شباهت نزدیک و یکسانی با منابع دانشی ما دارد و جهان تجربی، بازتابی از این واقعیت است. با وجود این، عقل گرایی خلاقانه به دنبال شواهدی در مورد واقعیت غیرقابل مشاهده است تا آن را کشف و تبیین کند (ایمان و کلامه ساداتی، ۱۳۹۲: ۵۸۱).

ماهیت شناخت در مدیریت راهبردی دانش با تکیه بر اسلام ناب محمدی<sup>(ص)</sup>

اساساً تعریف کردن شناخت، تحصیل حاصل است چون می خواهیم با تعریف کردن چیزی، آن را از ابهام درآوریم. در حالی که شناخت، معنایش روشن است. پس تعریف، تحصیل حاصل است (ابراهیمیان، ۱۳۷۲: ۳۷). بی نیازی معرفت از تعریف به معنای بی نیازی آن

از تحلیل، تنبیه و مانند آن نیست. بنابراین، براساس نیازی که معرفت‌شناسی به آن دارد، باید معنای معرفت تحلیل شده و ارکان آن هم شناسایی شود (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۸۸).

یکی از تعریف‌های شایعی که در کتب منطقی و فلسفی قدیم وجود دارد، به این شرح است: *الْعِلْمُ هُوَ الصَّوْرَةُ الْحَاصِلَةُ مِنَ الشَّيْءِ عِنْدَ الْعَقْلِ*؛ یعنی علم عبارت از صورتی است که از شیء نزد عقل یا قوه مُدرِکِه حاصل شود (خوانساری، ۱۳۷۴: ۴). باور صادقِ موجّه یکی دیگر از تعاریف شایع معرفت است که از آرای افلاطون در رساله *تئِتوس* برگرفته شده است (خاتمی، ۱۳۷۸: ۱۵۳). این تعریف به‌رغم اشکالاتی که به فقدان احراز شرایط جامعیت و مانعیت آن از سوی گتیه در سال ۱۹۶۳ میلادی شده، همچنان به عنوان تعریفی نسبتاً مطلوب از سوی معرفت‌شناسان پذیرفته شده است (همیلتون، ۱۳۸۸: ۹۱). در این تعریف، «باور» یعنی اطمینان روانی به یک گزاره، «موجّه» یعنی اطمینان پیدا شده براساس شواهد و مدارک قانع‌کننده. به لحاظ منطقی، نسبت میان باورهای صادق و باورهای موجّه، نسبت عموم و خصوص من وجه است، نه نسبت تساوی. به سخن دیگر، هر باور موجّهی لزوماً صادق نیست و هر باور صادقی هم می‌تواند موجّه نباشد. یعنی، امکان خطا در همه گزاره‌های معرفتی، با فرض بودن توجیه، وجود دارد. این احتمال وجود دارد که یک گزاره‌ای، دلایل و شواهد قانع‌کننده‌ای داشته و در نزد شناسنده موجّه باشد، با این حال، در مقام ثبوت، صادق نباشد و در یک کلام، صدق شرط ضروری یک گزاره موجّه نیست (گائینی، ۱۳۹۰، ۱۴).

### پیشینه تحقیق

بررسی ویژگی‌های اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه وآله وسلم) در نهج البلاغه باتکیه بر نظریات امام خمینی (ره)، (موسوی سردشتی، ۱۳۹۱) به معناشناسی اسلام، اسلام ناب محمدی (ص) و اسلام آمریکایی می‌پردازد و سپس مهمترین ویژگی‌ها و مولفه‌های اسلام ناب محمدی و پیامدهای برقراری آنها را در نهج البلاغه باتکیه بر نظریات امام خمینی (ره) بررسی می‌کند و هرآنچه را که خارج از این ویژگی‌ها و قواعد باشد اسلام تحریف شده می‌داند. به نظر برخی از مفسرین و صاحب‌نظران آگاه به قرآن و روایات، مدیریت، نقش اول را در تغییر و



تحولات اجتماعی بر عهده دارد و کسانی که رهبری فکری مردم را برعهده دارند و آنانی که مسئولیت اوضاع اجتماعی و مسائل اجرایی را پذیرا شده‌اند، نقش اول را در فساد یا اصلاح جامعه ایفا می‌کنند. چنانکه در روایت داریم: قُلُوبُ الرَّعِيَّةِ خَزَائِنُ رَاعِيهَا فَمَا أَوْدَعَهَا مِنْ عَدْلٍ أَوْ جَوْرٍ وَجَدَتْهُ؛ دل‌های مردم صندوقچه‌های حاکم است، پس آنچه از عدالت و یا ظلم در آنها بگذارد، همان را خواهد دید (تصنیف غرر الحکم و درر الکلم: ص ۳۴۶، ح ۷۹۸۲).

از آنجا که قرآن، کتاب آسمانی همه دست اندرکاران نظام است، عامل وحدت و زبان مشترک حوزه و دانشگاه می‌باشد. در همین راستا مدیریت باید عزم آن را داشته باشد که بخواهد این درک عمیق قرآنی را در جامعه پیاده نماید (نقی پورفر، ۱۳۸۵). برای اثبات ضرورت مدیریت اسلامی دو راه وجود دارد: یکی ضرورت از راه فرهنگ می‌باشد. با این توضیح که علم مدیریت به دلیل آمیختگی با فرهنگ غربی کاملاً پاسخگوی نیازهای ممالک اسلامی نیست و با توجه به فرهنگ این کشورها، که مقتضی اسلامیت است، ضرورت دارد تا با پژوهش بر روی شیوه‌هایی از مدیریت که سنخیت با این فرهنگ دارد، نیازهای موجود را برطرف ساخت و آن شیوه‌های متناسب با فرهنگ دینی، چیزی جز مدیریت اسلامی نیست (علی آقا پیروز و دیگران، ۱۳۸۹).

در پژوهشی که توسط منطقی و اکبری (۱۳۹۲) با هدف بررسی فرآیند و چرخه حیات مدیریت دانش از منظر اسلام صورت گرفته است، به فرآیند کسب، نگهداری، به‌کارگیری و انتشار دانش با الهام از منابع اسلامی دست یافته است. در مقاله‌ای هم، ابزارهای دانش، راه‌های کسب دانش به وسیله حس و عقل و معرفت دینی را بیان داشته و قلمروی شناخت و کسب دانش را علاوه بر حس و عقل، ابزار معرفت قلبی عنوان کرده است (بخشی، ۱۳۹۱). در پژوهشی دیگر با هدف فراهم آمدن زمینه‌هایی برای بهره‌مندی مدیریت دانش و مدیریت دانش اسلامی - شیعی از یکدیگر صورت گرفته است، که با روش کیفی با رویکرد پژوهش فرآیند چرخه‌ای تحلیل پژوهش شده است که در نتایج این پژوهش آمده که همخوانی مدیریت دانش با مفاهیم و اصول اسلام وجود دارد تا حدی که می‌توان مفاهیم و پایه‌های مدیریت دانش را با استناد به قرآن سنت و سیره معصومین (علیه السلام) و سایر منابع دانش اسلامی بازشناسایی و تعریف کرده و گسترش و توسعه داده و در راستای مدیریت

دانش اسلامی مورد استفاده قرار داد که در همین راستا الگوی مدیریت دانش اسلامی - شیعی در این مقاله عرضه شده است (اخوان و خادم الحسینی؛ ۱۳۹۲: ۹۹-۱۲۶).

موسی خانی و همکاران (۱۳۹۲) در تحقیقی با عنوان، مدیریت دانش دینی (دین بنیان)، با طرح این سوال که آیا میتوان به نحو مطلوب از تجربه‌های دانش مدیریت در تأسیس میان رشته‌های جدید، مانند مدیریت دانش برای تمدن دینی نیز بهره برداری کرد و رشته‌های نوین مدیریتی متناسب با نیازهای فرهنگی و تمدنی جامعه مسلمانان را تأسیس کرد، به بحث و بررسی موضوع پرداخته است و نتیجه‌گیری کرده که تجربه‌های دربسترمانی دینی عامل مهمی در تأسیس مدیریت دانش است (نظامی وند، چگینی و همکاران، ۱۳۹۲). هاشمیان (۱۳۹۱) در مقاله‌ای تحت عنوان «مقدمه‌ای بر امکان و وجوب فلسفی تحقق دانش مدیریت اسلامی نقادی بر روش شناسی مدرن» بیان داشته، برای اثبات امکان و وجوب تحقق دانش مدیریت اسلامی، راه‌های مختلفی وجود دارد. در پایان مبتنی بر مبانی حکمت صدرایی، ضمن نقد رئالیسم انتقادی، از ظرفیت‌های حکمت متعالیه برای پی ریزی بنیان روش شناختی دانش مدیریت اسلامی به میان آمده است. در پژوهش تولایی (۱۳۹۲)، به منظور موثر بودن دانش در فرآیند مدیریت دانش در سازمان‌ها، بر اساس تقسیم بندی دانش در منابع اسلامی به دانش‌های سودمند و غیرسودمند، سعی بر آن است تا در فرآیند تحقیق دانش‌های سودمند به اشتراک گذاری و استفاده شود و از اشاعه دانش‌های غیرسودمند جلوگیری شود. ضرورت این مهم زمانی بیشتر مورد توجه می‌باشد که کار بر نظام مدیریت دانش، با حجم انبوهی از دانش‌ها مواجه است و تنها قسمتی از آن می‌تواند به عنوان دانش سودمند فرد را در دستیابی به اهداف کاری، یاری رساند. بقیه دانش‌های نظام گرچه مضر نیستند و برای بقیه کاربران سودمند می‌باشد، اما نظام به گونه‌ای بایستی طراحی شود که هر کاربر به دانش‌های سودمند خود دسترسی داشته باشد تا در انبوهی از دانش‌ها سردرگم نشود.

اخوان و همکاران، (۱۳۹۲) در مقاله‌ای تحت عنوان تبیین مدیریت دانش اسلامی با بیان اینکه در این مطالعه، برای نخستین بار به بررسی تطبیقی مدیریت دانش و مدیریت دانش اسلامی بر پایه احادیث و تبیین رابطه قرآن و علم به ویژه دانش روز از دیدگاه منابع شیعی

پرداخته شده است، معتقدند این پژوهش به عنوان کاری نو در زمینه مدیریت دانش با کاربردهای متعددی که در زمینه‌های مختلف مذهب شیعی نظیر آموزش تبلیغ دعوت اسلامی و... می‌تواند داشته باشد، به دانش‌افزایی در زمینه‌های یادشده منجر می‌شود.

«طراحی و تدوین الگوی شناخت موانع تحقق مدیریت اسلامی در سازمانها» عنوان مقاله‌ای است که معصومی مهر و همکارانش (۱۳۸۹) تالیف کرده و در آن نتیجه گرفته شده موانع بیرونی و درونی سازمان شامل: موانع شناختی، موانع سیاست‌گذاری، موانع برنامه‌ریزی، موانع اجرایی، موانع نظارتی و موانع ارزیابی را در عدم تحقق مدیریت اسلامی موثر هستند. مدیریت دانش اسلامی از دیدگاه تفکر شیعی یا مدیریت دانش اسلامی شیعی چیست و چه ویژگی‌هایی دارد؟ (اخوان و دیگران، ۱۳۹۲).

نتایج کلی از مطالعات حاکی از همخوانی مدیریت دانش با مفاهیم و اصول اسلام است تا حدی که می‌توان مفاهیم و پایه‌های مدیریت دانش را با استناد به قرآن، سنت و سیره معصومین (علیهم السلام) و سایر منابع دانش اسلامی بازشناسایی و تعریف کرده و گسترش و توسعه داد و در راستای مدیریت دانش اسلامی مورد استفاده قرار داد. بررسی فرایند سکوت، کسب، نگهداری، به کارگیری و انتشار دانش با الهام از منابع اسلامی پردازد در این تحقیق مراحل سکوت، کسب دانش، نگه‌داری دانش، به کارگیری دانش و انتشار دانش، چرخه حیات یا فرایند مدیریت دانش از منظر منابع اسلامی هستند (منطقی و اکبری، ۱۳۹۲).

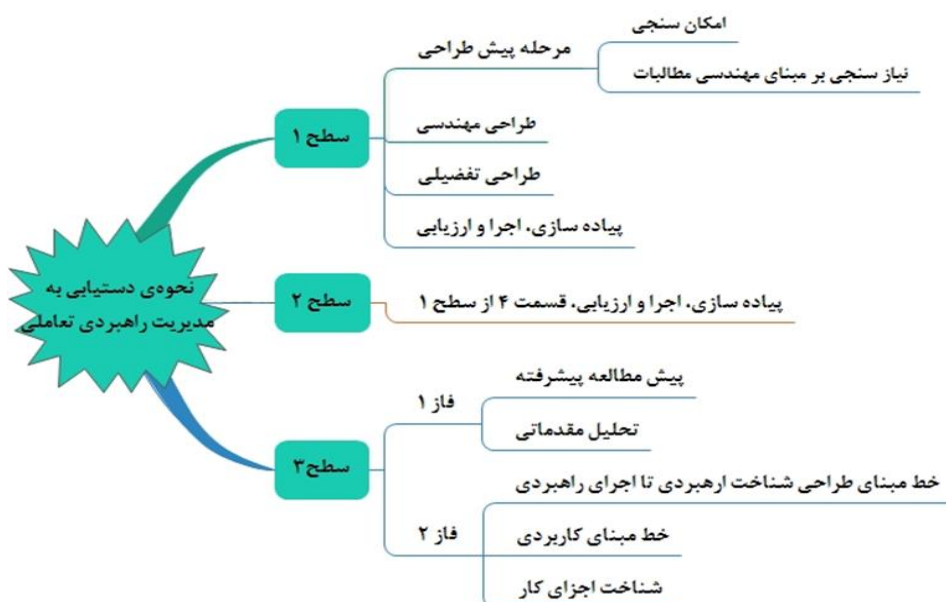
مدیریت دانش دینی (دین بنیان): طرح مساله «مدیریت دانش» در «تمدن دینی»، حتی اگر صورت مساله، با غرب در قلمرو مدیریت دانش یکسان باشد، لزوماً پاسخ ما به این مساله یکسان نخواهد بود و نمی‌توان به سادگی راه حل‌ها و نظریه‌های موجود را بدون واکاوی مبادی و مبانی آنها به طور مستقیم در جامعه دینی به کار برد (موسی‌خانی و دیگران، ۱۳۹۲).

مدیریت دانش اسلامی (مدیریت دانش از منظر اسلام) در تعریف به فرایند عبارتست از: تلاش برای تحقق دانایی و دارایی در قالب حکمت نظری و عملی کارکنان، مدیران و ذینفعان درونی و بیرونی سازمان از طریق فرایند چرخه مدیریت دانش اسلامی شامل سکوت، کسب، نگهداری، به کارگیری و انتشار دانش، برگرفته از آموزه‌های اسلام برای نیل به اهداف متأثر از نظام ارزشی اسلام است و در تعریف به ماهیت مدیریت دانش اسلامی

عبارت است دانش برگرفته از نصوص اسلامی در راستای مسائل مستحدثه در سطح نظام اسلامی. از سوی دیگر تعریف اخوان نیز از نظر محققان تعریف مناسبی است: در مفهوم مدیریت دانش اسلامی، تلاش در جهت تحقق دانش از طریق دیدگاه اسلامی است (اخوان و دیگران، ۱۳۹۲: ۹۹-۱۲۶).

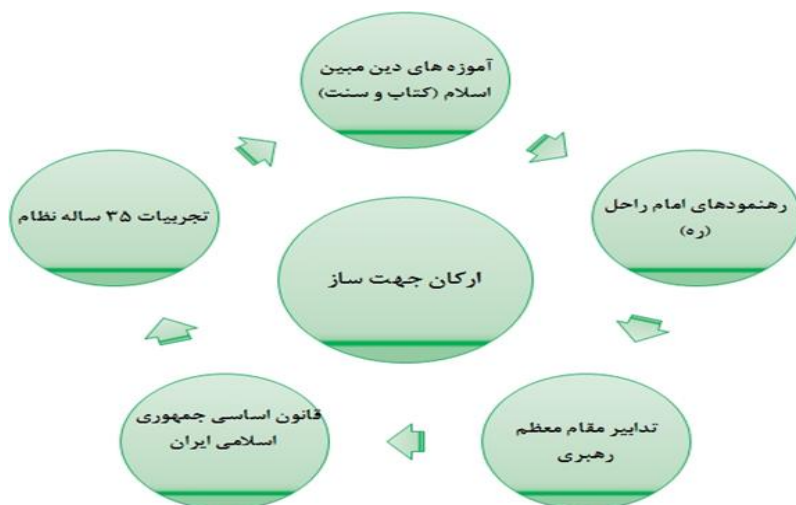
### مدل مفهومی مدیریت راهبردی مبتنی بر اسلام ناب

از آنجایی که مدل مفهومی الگوی مدیریت راهبردی مبتنی بر اسلام ناب برای اولین بار بر اساس آموزه‌های دینی و به اقتضای شرایط داخلی و خارجی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران ارائه گردیده و در ضمن آن دو علی‌هذا لازم است تا مدل عملیاتی دست‌یابی به الگوهای پیشنهادی نیز به طور تفصیلی و در قالب دو رویکرد جامع‌نگری و جامعه‌نگری ارائه گردد. هدف محققین تبیین مراحل دست‌یابی به الگوی مدنظر با رویکرد کاربردی است لذا دست‌یابی در سه سطح اساسی ارائه گردیده است.



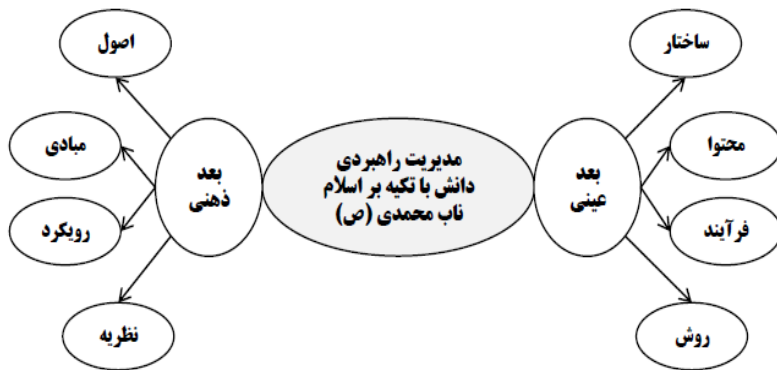
شکل شماره ۳- نحوه دستیابی به مدیریت راهبردی مبتنی بر اسلام ناب

سطح یک از چهار مرحله مشخص تشکیل شده است که به ترتیب شامل مرحله پیش طراحی، مرحله طراحی مهندسی، مرحله طراحی تفصیلی و مرحله پیاده سازی اجرا و ارزیابی می باشد. مرحله پیش طراحی خود از دو فعالیت کلیدی با عناوین امکان سنجی و نیاز سنجی بر مبنای مهندسی مطالبات تشکیل شده است.



شکل شماره ۴ - ارکان جهت ساز (اقتباس از مطالعات گروهی، ۱۳۹۷)

مدل مفهومی تحقیق حاضر، حاصل مطالعه ادبیات تحقیق و مدل مبنایی تحقیق حاصل از مطالعات اسنادی (مدل سه شاخگی) می باشد. رویکرد اصلی مدل، استفاده از کارکردهای زمینه‌ای، رفتاری و ساختاری سازمان برای ارائه الگوی مدیریت راهبردی دانش باتکیه بر مکتب اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه واله وسلم) است. براین مبنا، چارچوب مفهومی پژوهش، در یک نگاه کلان به دو بعد عینی و ذهنی منتهی شد. برای هر یک از این ابعاد، مولفه‌های مرتبط نیز از مطالعه ادبیات و در یک فرآیند رفت و برگشت با خبرگان و مصاحبه شوندگان حاصل شد که در شکل زیر آورده شده است.



شکل شماره ۵- چارچوب مفهومی تحقیق (مبتنی بر چارچوب مطالعات گروهی، ۱۳۹۷)

چنانکه ملاحظه می‌شود الگوی مفهومی دارای دو بخش کاملاً مجزاست دربخش اول که درواقع بعد ذهنی بوده و درآن بایستی میان فلسفی، فلسفه مضاف، پارادایم غالی و مکتب و رویکرد مناسب بصورت فلسفی و بروش هرمنوتیکی حاصل می‌گردید درهمین بخش انجام شد، اما بخش دوم از الگوی مفهومی که درواقع الگوی مبتنی بر بعد عینی باشد که خود مشتمل بر چهارمولفه ساختاری، محتوایی، فرآیندی و روشی است از طریق تهیه پرسشنامه محقق ساز که بایستی ابتدا استاندارد و سپس تایید و تکمیل گردد از طریق آمار استنباطی و توصیفی مورد راستی آزمایی قرار گرفته و درپایان مدل یا الگوی مد نظر با کمک نرم افزار اسمارت پی ال اس تحلیل شد.

### روش‌شناسی تحقیق

از آنجا که مقاله حاضر برای افزایش دانش و درک ما از مسائل خاصی تلاش دارد و به دنبال ارائه الگوی راهبردی مدیریت دانش با تکیه بر اسلام ناب محمدی، می‌توان آن را از لحاظ اهداف تحقیق از نوع تحقیقات بنیادی به شمار آورد. لیکن به دلیل کاربردی بودن نتایج این تحقیق و توسعه دادن مفهومی، نظری و عملیاتی مدیریت راهبردی دانش می‌تواند پژوهش کاربردی و توسعه‌ای نیز قلمداد شود. روش تحقیق حاضر از نوع آمیخته (کمی و کیفی) می‌باشد. دراین روش در مراحل مختلف با توجه به نیازهای پژوهشی متناسب با

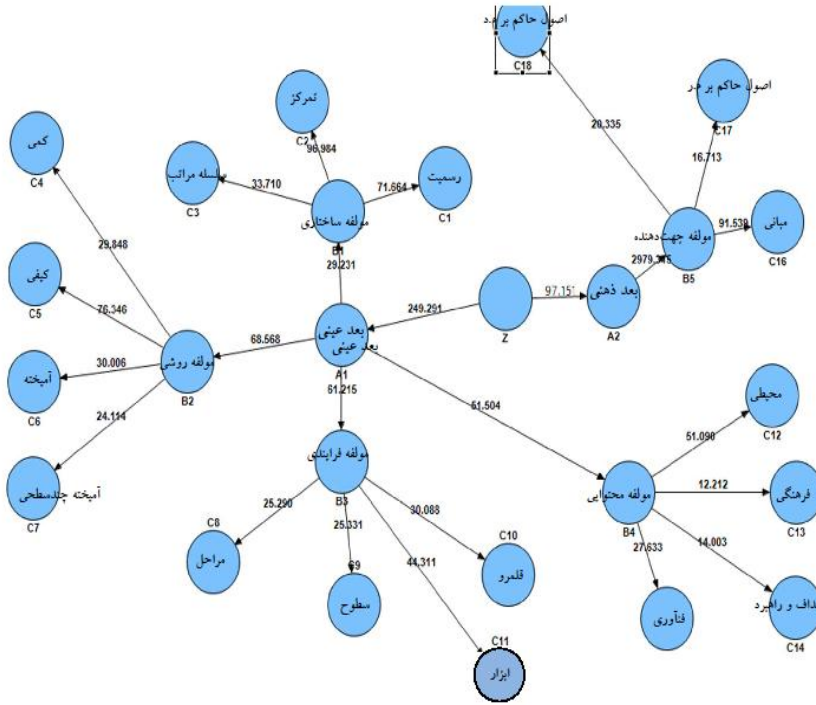
هر سطح (یا هر مرحله) بر پایه یافته‌های قابل تحلیل (محتوا-گفتمان) و مهمتر از آن با بکارگیری نظام ارزش‌های جامعه پایه‌گذاری می‌شود. در این تحقیق از روش استنباطی اجتهادی و آمیخته اکتشافی استفاده شده است. قلمرو زمانی کاربرد نتایج این پژوهش، تا افق زمانی منظور شده در چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران یعنی ۱۴۰۴ هجری شمسی می‌باشد. از دیگر سو، قلمرو موضوعی این پژوهش، مدیریت دانش اسلامی است و قلمروی مکانی آن مربوط به کشور جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

جامعه آماری پژوهش شامل ۶۰ نفر از خبرگان، صاحب‌نظران، اندیشمندان و اساتید حوزه و دانشگاه‌ها می‌باشد، که در زمینه مدیریت دانش، و مدیریت راهبردی و علوم اسلامی، فلسفه علم و علم دینی دارای تخصص می‌باشند. برای استانداردسازی ابزار تحقیق به ویژه پرسشنامه‌ها از جامعه خبره ۲۰ نفره که در این تحقیق خبره خاص نامیده شده است و برای بررسی روایی و پایایی و اندازه‌گیری وضع موجود و مناسب و مطلوب از جامعه خبرگان عام با مراجعه به آنها و تا دستیابی به اشباع نظری اقدام گردید.

روش گردآوری اطلاعات با توجه به روش تحقیق آمیخته، از روش مطالعات کتابخانه‌ای علمی و تخصصی، مقالات و رساله‌های علمی و پژوهشی و پرسشنامه و مصاحبه (باز، بسته) است. و اینکه روش مورد نظر تجزیه و تحلیل داده‌ها از نوع آمیخته اکتشافی محسوب می‌شود که در آن داده‌های کمی با روش کمی و داده‌های کیفی به روش کیفی تحلیل شده و سپس نتایج هر دو مسیر در نهایت با هم مخلوط گردیده اند.

## یافته‌های پژوهش

الگوریتم تحلیل داده‌ها در روش PLS شامل دو بخش کلی برآزش مدل و آزمودن فرضیه‌ها است. تحلیل عاملی، پایایی و روایی و ضریب معناداری Z در بخش برآزش مدل صورت می‌گیرد (داوری و رضازاده، ۱۳۹۳: ۱۶۴). چیدمان الگو شامل ابعاد و مؤلفه‌های آن به همراه ضرایب بارهای عاملی در محیط Smart PLS در شکل زیر نشان داده شده است.



شکل شماره ۶ - ضرایب استاندارد شده بارعاملی ابعاد و مؤلفه‌های تحقیق

گام اول: تحلیل عاملی ضرایب.

- نتایج ضرایب بارهای عاملی در شکل شماره ۶ و جدول شماره ۲ آورده شده است. با توجه به اینکه همه مقادیر ضرایب بارهای عاملی مساوی و یا بالاتر از ۰/۴ هستند (هوند، ۱۹۹۱)، لذا نشان از مناسب بودن تمامی ابعاد و مؤلفه‌های الگو است.
- پایایی: برای سنجش وضعیت پایایی، ضریب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی محاسبه و نتایج در جدول شماره ۲ آمده است. همان‌گونه که دیده می‌شود، ضرایب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی برای کلیه ابعاد و مؤلفه‌های اصلی مدل، بیشتر از ۰/۷ است لذا برازش مناسب مدل اندازه‌گیری تائید می‌گردد.

۱. Huland



- روایی. برای این منظور، از دو معیار روایی همگرا و روایی واگرا استفاده شد. روایی همگرا، به بررسی میزان همبستگی هر سازه با سؤالات خود می‌پردازد. فورنل و لارکر (۱۹۸۱) مقدار مناسب برای AVE را ۰/۵ با بالا معرفی کرده‌اند (داوری، رضازاده، ۱۳۹۳: ۱۳۵). نتایج روایی همگرا یا همان AVE نیز در جدول شماره ۲ آمده است. با توجه به بزرگ‌تر بودن مقدار این ضریب از ۰/۵ برای همه متغیرهای پنهان، روایی همگرای مدل و مناسب بودن مدل‌های اندازه‌گیری تأیید می‌شود.

جدول شماره ۲ - برازش مدل‌های اندازه‌گیری

سازه	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی	روایی همگرایی
A۱: بعد ذهنی	۰,۹۷۶۸۱۶	۰,۹۷۸۰۷۵	۰,۴۷
A۲: بعد عینی	۰,۹۶۷۰۰۹	۰,۹۶۹۵۲۹	۰,۵۳
B۱: مولفه ساختاری	۰,۹۱۵۹۹۳	۰,۹۲۹۵۵۲	۰,۵۵
B۲: مولفه محتوایی	۰,۹۲۵۳۳۳	۰,۹۳۶۷۶۶	۰,۵۶
B۳: مولفه فرآیندی	۰,۹۳۸۸۶۰	۰,۹۴۷۰۹۰	۰,۵۵
B۴: مولفه روشی	۰,۹۲۷۷۶۰	۰,۹۳۷۵۳۰	۰,۵۲
B۵: مولفه جهت دهنده	۰,۹۲۱۹۹۲	۰,۹۴۱۶۶۰	۰,۵۳
C۱: رسمیت	۰,۸۷۹۰۰۸	۰,۹۱۷۱۸۳	۰,۷۴
C۱۰: قلمرو	۰,۷۴۱۵۸۸	۰,۸۴۸۰۹۷	۰,۶۵
C۱۱: ابزار	۰,۸۷۳۲۵۸	۰,۹۱۴۲۳۱	۰,۷۳
C۱۲: محیطی	۰,۸۹۲۶۲۴	۰,۹۲۵۷۳۸	۰,۷۶
C۱۳: فرهنگی	۰,۸۴۵۸۸۲	۰,۹۰۷۰۱۰	۰,۷۶
C۱۴: اهداف و راهبرد	۰,۷۸۰۹۹۸	۰,۸۷۲۷۷۴	۰,۷۰
C۱۵: فناوری	۰,۸۱۸۹۲۵	۰,۸۸۱۷۱۶	۰,۶۵
C۱۶: مبانی	۰,۹۵۶۳۹۷	۰,۹۶۱۲۴۳	۰,۶۰
C۱۷: اصول حاکم بر مدیریت راهبردی	۰,۷۷۷۷۱۷	۰,۸۶۹۸۲۹	۰,۶۹
C۱۸: اصول حاکم بر مدیریت دانش	۰,۹۳۸۴۹۵	۰,۹۴۸۲۱۷	۰,۶۷
C۲: تمرکز	۰,۷۳۲۴۱۷	۰,۸۴۸۷۱۶	۰,۶۵
C۳: سلسله مراتب	۰,۷۵۷۷۶۱	۰,۸۴۶۲۷۳	۰,۵۸
C۴: کمی	۰,۸۴۰۱۱۴	۰,۸۹۵۰۱۰	۰,۶۸

سازه	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی	روایی همگرایی
C۵: کیفی	۰,۷۹۲۵۸۵	۰,۸۷۷۵۰۲	۰,۷۱
C۶: آمیخته	۰,۸۵۰۴۴۳	۰,۹۳۰۳۱۵	۰,۸۷
C۷: آمیخته چند سطحی	۰,۸۰۰۶۶۵	۰,۸۸۲۲۸۰	۰,۷۱
C۸: مراحل	۰,۸۵۴۹۸۰	۰,۸۹۵۰۷۵	۰,۶۳
C۹: سطوح	۰,۹۳۵۲۴۶	۰,۹۵۸۷۲۱	-
Z	۰,۹۸۴۱۰۳	۰,۹۸۵۷۱۷	-

نتایج بررسی روایی واگرا در جدول شماره ۳ آورده شده است. همان‌گونه که دیده می‌شود، مقدار جذر AVE تمام متغیرهای مرتبه اول در قطر ماتریس، از مقدار همبستگی میان آنها بیشتر است که این امر روایی واگرای مناسب و برازش خوب مدل‌های اندازه‌گیری را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۳- روایی واگرای متغیرهای تحقیق

	C1	C10	C11	C12	C13	C14	C15	C16	C17	C18	C2	C3	C4	C5	C6	C7	C8	C9
C1	0.68																	
C10	0.55	81.0																
C11	0.65	0.71	0.85															
C12	0.67	0.62	0.81	0.87														
C13	0.31	0.56	0.69	0.64	0.87													
C14	0.45	0.55	0.61	0.57	0.58	0.83												
C15	0.58	0.67	0.75	0.72	0.52	0.74	0.81											
C16	0.67	0.66	0.83	0.76	0.54	0.60	0.79	0.77										
C17	0.47	0.62	0.70	0.65	0.75	0.65	0.55	0.68	0.83									
C18	0.42	0.59	0.73	0.63	0.73	0.61	0.60	0.72	0.73	0.82								
C2	0.82	0.64	0.69	0.66	0.37	0.48	0.65	0.71	0.53	0.45	0.81							
C3	0.66	0.66	0.67	0.67	0.46	0.50	0.71	0.67	0.60	0.36	0.78	0.76						
C4	0.68	0.60	0.72	0.69	0.48	0.49	0.69	0.82	0.64	0.50	0.67	0.77	0.83					
C5	0.57	0.66	0.75	0.68	0.57	0.66	0.71	0.75	0.63	0.57	0.67	0.64	0.70	0.84				
C6	0.63	0.64	0.76	0.75	0.52	0.50	0.69	0.74	0.58	0.56	0.70	0.68	0.69	0.82	0.93			
C7	0.51	0.67	0.68	0.57	0.62	0.68	0.68	0.76	0.73	0.70	0.59	0.55	0.59	0.76	0.61	0.85		
C8	0.45	0.67	0.72	0.63	0.71	0.61	0.63	0.71	0.73	0.77	0.48	0.48	0.52	0.74	0.67	0.82	0.79	
C9	0.59	0.75	0.74	0.64	0.61	0.47	0.70	0.66	0.49	0.59	0.59	0.57	0.58	0.63	0.66	0.54	0.65	0.94

### گام دوم: برازش مدل ساختاری.

برازش مدل ساختاری پژوهش برای پی بردن به روابط متغیرهای پنهان انجام می‌شود. محاسبه ضرایب معناداری Z یا همان مقادیر t-values، یکی از معیارهای برازش مدل

ساختاری است (دلوری، رضازاده، ۱۳۹۳: ۱۳۹) که این ضرایب باید از ۱/۹۶ بیشتر باشد تا بتوان در سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار بودن آنها را تأیید کرد (همان: ۱۴۵). برای این منظور از دستور Bootstrapping استفاده شد. نتایج که در جدول شماره ۴ آمده نشان می‌دهد که همه ضرایب مسیرها از مقدار معیار ۱/۹۶ بیشتر است که این مهم، معنادار بودن مسیرها و مناسب بودن مدل ساختاری را نشان می‌دهد.

معیار دیگری برای برآزش مدل ساختاری، ضرایب  $R^2$  مربوط به متغیرهای پنهان درون‌زای (وابسته) مدل است، که نشان از تأثیر یک متغیر برون‌زا بر یک متغیر درون‌زا دارد. سه معیار ۰/۱۹، ۰/۳۳ و ۰/۶۷ به‌عنوان ملاک برای مقادیر ضعیف، متوسط و قوی آن در نظر گرفته می‌شود (داوری، رضازاده، ۱۳۹۳: ۱۴۶).

براین اساس، همان‌گونه که در جدول شماره ۴ دیده می‌شود، تعداد ۷ مؤلفه دارای مقدار در محدوده متوسط (مناسب) و بقیه دارای مقادیر بالای ۰/۶۷ بوده، لذا برآزش مدل ساختاری مناسب است.

جدول شماره ۴- مقادیر ضریب t- values متغیرهای مکنون تحقیق

R <sup>2</sup>	مقادیر اشتراکی		ضریب t- values		ضریب مسیر		
	مقدار	تفسیر	مقدار	معناداری	به	از	
قوی	۰,۸۶۵۰۱۰	قوی	۰,۴۱۹۲۳	۰/۵۰	۲۹,۷۹	B۵	تعیین شده
قوی	۰,۹۰۸۱۷۹	قوی	۰,۵۴۰۵۵۵	۰/۵۰	۹۱,۵۳۹	C۱۶	
متوسط	۰,۶۸۴۰۶۷	قوی	۰,۴۱۱۱۰۹	۰/۵۰	۱۶,۷۱۳	C۱۷	
قوی	۰,۷۸۹۹۰۱	قوی	۰,۵۳۲۵۷۳	۰/۵۰	۲۰,۳۳۵	C۱۸	
قوی	۰,۷۳۴۶۴۱	قوی	۰,۳۹۵۰۶۳	۰/۵۰	۲۹,۲۳۱	B۱	تعیین شده
قوی	۰,۸۵۱۶۵۹	قوی	۰,۶۰۲۸۳۴	۰/۵۰	۷۱,۶۶۴	C۱	
قوی	۰,۸۴۴۷۰	قوی	۰,۵۷۸۳۳۳	۰/۵۰	۹۶,۹۸۴	C۲	
قوی	۰,۷۷۲۹۳۰	قوی	۰,۴۳۱۲۱۴	۰/۵۰	۳۳,۷۱۰	C۳	
قوی	۰,۸۹۴۲۰۱	قوی	۰,۵۰۰۲۴	۰/۵۰	۶۸,۶۶۸	B۲	
قوی	۰,۷۵۴۸۳۶	قوی	۰,۵۰۹۳۸۲	۰/۵۰	۲۹,۸۴۸	C۴	
قوی	۰,۸۶۶۴۵۱	قوی	۰,۵۹۴۱۳۲	۰/۵۰	۷۶,۳۴۶	C۵	
قوی	۰,۷۷۵۳۶۹	قوی	۰,۶۸۵۹۵۱	۰/۵۰	۳۰,۰۰۶	C۶	
متوسط	۰,۶۹۵۱۹۶	قوی	۰,۴۴۷۸۱۳	۰/۵۰	۲۴,۱۱۶	C۷	
قوی	۰,۸۹۶۰۱۰	قوی	۰,۴۷۵۲۲۱	۰/۵۰	۶۱,۲۱۶	B۳	تعیین شده
قوی	۰,۷۶۱۷۷۹	قوی	۰,۴۶۶۲۴۷	۰/۵۰	۲۵,۲۹۰	C۸	

R <sup>2</sup>		مقادیر اشتراکی		ضریب t- values		ضریب مسیور
قوی	۰,۷۸۴۷۹۶	قوی	۰,۶۷۹۱۵۲	۰/۵۰	۲۵,۳۳۱	C۹
قوی	۰,۷۴۱۶۹۵	قوی	۰,۴۷۳۸۷۵	۰/۵۰	۳۰,۰۸۸	C۱۰
قوی	۰,۸۲۵۱۲۲	قوی	۰,۵۸۴۹۳۶	۰/۵۰	۴۴,۳۱۱	C۱۱
قوی	۰,۸۸۱۷۸۱	قوی	۰,۴۴۹۷۷۱	۰/۵۰	۶۱,۵۰۴	B۴
قوی	۰,۷۹۱۵۰۰	قوی	۰,۵۹۷۸۱۶	۰/۵۰	۵۱,۰۹۸	C۱۲
متوسط	۰,۶۱۳۸۷۱	قوی	۰,۴۵۴۰۶۵	۰/۵۰	۱۲,۲۱۲	C۱۳
متوسط	۰,۶۸۳۳۹۹	قوی	۰,۴۷۹۹۱	۰/۵۰	۱۴,۰۰۳	C۱۴
قوی	۰,۷۸۸۲۳۸	قوی	۰,۴۷۹۷۱۵	۰/۵۰	۲۷,۶۳۳	C۱۵

گام سوم: برازش مدل کلی.

برای برازش مدل کلی، از معیار GoF<sup>۱</sup> استفاده شد. این معیار برای برازش مدل کلی که هر دو بخش مدل اندازه‌گیری و ساختاری را کنترل می‌کند، بکار برده می‌شود و از رابطه زیر محاسبه می‌شود که در آن *communalities* میانگین مقادیر اشتراکی یک سازه درون‌زا و  $\bar{R}^2$  میانگین متغیرهای درون‌زای وابسته است. تفسیر مقادیر مختلف GOF در جدول زیر آمده است.

$$GOF = \sqrt{\text{communalities} \times \bar{R}^2}$$

جدول شماره ۵ - تفسیر GoF

مقدار GoF		
۰/۳۶	۰/۲۵	۰/۰۱
برازش مدل کلی: قوی	برازش مدل کلی: متوسط	برازش مدل کلی: ضعیف

با جایگذاری میانگین R<sup>2</sup> برابر با ۰/۸۱ و میانگین مقادیر اشتراکی برابر با ۰/۷۰ در فرمول، مقدار GoF معادل ۰/۷۵ حاصل شد که نشان می‌دهد برازش مدل کلی قوی است.

۱. Goodness of Fit

## گام چهارم: آزمون فرضیه‌ها.

**فرضیه اول:** بین الگوی مدیریت راهبردی دانش با تکیه بر مکتب اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله وسلم) و ابعاد عینی و ذهنی رابطه معنا داری وجود دارد. بر اساس تجزیه و تحلیل صورت گرفته، از آنجایی که سطح معناداری آزمون فریدمن برای ابعاد کمتر از سطح آزمون ۰,۰۵ می‌باشد، لذا در سطح اطمینان ۹۵ درصد ضمن تایید رابطه معنادار بین ابعاد و سازه اصلی، تفاوت معناداری بین بعد عینی و بعد ذهنی ملاحظه شد. همچنین نتایج نشان داد بعد ذهنی در برابر بعد عینی اهمیت بیشتری در الگوی مدیریت راهبردی دانش اسلامی دارد. بعد ذهنی از یک سو بر بینانهای نظری شامل هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی دلالت دارد و از سوی دیگر نحوه تدوین، پیاده‌سازی را نیز شامل می‌شود.

**فرضیه دوم:** بین بعد عینی و مولفه‌های ساختاری، رفتاری، فرآیندی و جهت‌دهندگی رابطه معنا داری وجود دارد.

بر اساس تجزیه و تحلیل صورت گرفته، از آنجایی که سطح معناداری برای مولفه‌ها کمتر از سطح آزمون (۰,۰۵) می‌باشد فرض صفر مبنی بر عدم وجود رابطه تفاوت معنی‌دار بین مولفه‌های ساختاری، روشی، فرآیندی، محتوایی در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد و در واقع فرض یک تائید و در این بین مولفه‌های فرآیندی و ساختاری به ترتیب بیشترین و کمترین تاثیر را بر بعد عینی دارند.

## بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر، ارائه الگوی مدیریت راهبردی دانش با تکیه بر اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله) است. به منظور دستیابی به الگو، تحلیل محتوای کیفی مقالات، کتب و مصاحبه‌ها، انجام شد که در نهایت منجر به شناسایی ابعاد عینی و ذهنی با مولفه‌های... گردید.

▪ **بعد عینی:** ساختاری (رسمیت، تمرکز، سلسله مراتب)؛ روشی (کمی، کیفی، آمیخته، آمیخته چند سطحی)؛ فرآیندی (مراحل، سطوح، قلمرو، ابزار)؛ محتوایی (محیط، فرهنگ، اهداف و استراتژی، فناوری)

▪ **بعد ذهنی:** مبادی؛ اصول؛ نظریه‌ها؛ رویکردها

به بیانی دیگر، این الگو دارای دو بخش کاملاً مجزاست. بخش نخست در واقع بعد ذهنی بوده و در آن میانی فلسفی، فلسفه مضاف، پارادایم غالی و مکتب و رویکرد مناسب بصورت فلسفی و بروش هرمنوتیکی دیده می‌شود. بخش دوم بعد عینی می‌باشد و مشتمل بر چهارمؤلفه ساختاری، محتوایی، فرآیندی و روشی است.

این ابعاد و مؤلفه‌ها پس از تأیید روایی و پایایی توسط... نفر از خبرگان، در طراحی پرسش‌نامه با طیف پنج‌تایی لیکرت به کار گرفته شدند. نتایج دریافتی از تعداد... پرسشنامه تکمیلی با استفاده از نرم‌افزار SPSS و Smart PLS تحلیل و بدین ترتیب برازش کلیه ابعاد و مؤلفه‌ها و نهایتاً مدل محقق گردید.

در این مطالعه، منظور از مبادی مبانی، غایات و الزامات مدیریت راهبردی دانش مبتنی بر اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله) علم عبارتند از؛ شناخت‌هایی که پیش از پرداختن به طرح و مسائل هر علمی نیاز به آن است را «مبادی علوم» گویند و به دو دسته تقسیم می‌شوند.

- مبادی تصویری: مبادی تصویری همان تعاریف و بیان ماهیت اشیاء مورد بحث است، که معمولاً در خود علم و به صورت مقدمه، مطرح می‌شود؛
- مبادی تصدیقی: مبادی تصدیقی علوم مختلف اند و غالباً در علوم دیگری مورد بحث قرار می‌گیرند. توجهات اساسی در طراحی الگوی مدیریت راهبردی با تکیه بر مکتب اسلام ناب برای طراحی الگوی بومی مدیریت راهبردی دانش با تکیه بر مکتب اسلام ناب با عنوان مدیریت راهبردی با توجه به تفاوت‌های ماهوی اقتضات نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران با سایر نظامات موجود از نظر محتوایی، روشی، ارزشی و جهت‌گیری، ابتدا لازم بود مبادی، مبانی و اصول اساسی این الگو بطور بایسته (دلّه و قلّه) لکن متقن و دقیق ارائه گردد.

### پیشنهاد

- شناسایی سایر ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های کیفی و کمی مدیریت راهبردی دانش مبتنی بر اسلام ناب محمدی (ص)
- تبیین ساحت‌های علم و دانش در ادبیات علمی متکی بر آموزه‌های اسلامی
- انجام پژوهشی موردی با مدل مدیریت راهبردی ارائه شده در سطح ملی، منطقه‌ای

## فهرست منابع و مآخذ

### الف. منابع فارسی

- ابراهیمیان، سید حسین (۱۳۷۲). معرفت‌شناسی از دیدگاه فلاسفه اسلامی و غربی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
- احمدوند، علی و همکاران (۱۳۸۹). مروری بر مدل‌های انتخاب راهبرد و ارائه یک مدل پیشنهادی، مدیریت فردا، شماره ۲۳، صص ۱۰۷-۱۱۸
- اخوان، پیمان و خادم‌الحسینی، سید پیمان، (۱۳۹۲). تبیین مدیریت دانش از دیدگاه اسلام، مدیریت اسلامی، سال ۲۱، شماره ۲، ۹۹-۱۲۶
- انصاری رنانی، قاسم و قاسمی نامقی، محمد (۱۳۸۸). ارزیابی اثر مدیریت دانش در خلق استراتژی رقابتی تمایز از مجرای زنجیره ارزش فعالیت‌های سازمانی، پژوهش‌نامه مدیریت تحول، شماره ۲، نیمه دوم ۱۳۸۸
- آریان پور کاشانی، عباس؛ آریان پور کاشانی، منوچهر؛ فرهنگ آریان پور؛ انتشارات امیرکبیر در سال ۱۳۵۳.
- آملی، سیدحیدر (۱۳۶۸). جامع الاسرار و منبع الانوار، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- آملی، محمد تقی، (۱۳۸۴). حیات جاوید در علم اخلاق، انتشارات مرتضوی، تهران .
- بازرگان هرندی، عباس (۱۳۸۷). دانش مدیریت « شماره ۸۱، صص ۱۹-۳۶
- تولایی، روح‌الله؛ رجب‌دری، حسین؛ مجله: اسلام و مدیریت « پاییز و زمستان ۱۳۹۲ - شماره ۶ (۲۲) صفحه - از ۸۹ تا ۱۱۰)
- حسن زاده آملی حسن؛ عرفان و حکمت متعالیه، قم، نشر الف لام میم، ۱۳۸۰ ش.
- خاتمی، بهزاد؛ مهدی زاده، هدایت (۱۳۸۷). مطالعه تطبیقی و ارزیابی مدل‌های برنامه ریزی راهبردی و ارائه یک چارچوب جدید برنامه ریزی، مدیریت فردا
- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۳). لغتنامه، ج ۱۰، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران،
- سنجدی و همکاران، (۱۳۹۲). سنجش فرآیندها و عوامل کلیدی موفقیت مدیریت دانش، فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی - امنیتی دانشگاه جامع امام حسین (ع)، سال دوم، شماره ۲، صص ۱-۲.
- عمید، حسن، (۱۳۶۵). فرهنگ عمید، تهران، موسسه انتشارات امیرکبیر، جلد دوم و سوم.
- کچوئیان، حسین، (۱۳۸۲). فوکو و دیرینه‌شناسی دانش، تهران: دانشگاه تهران
- کشتکار، مهران، مبینی دهکردی، علی (۱۳۹۵). فراترکیب مدل‌های نوآوری اجتماعی، مجله برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۲۶
- گائینی، ابوالفضل؛ حسین زاده، امیر (۱۳۹۱). «پارادایم‌های سه‌گانه اثبات‌گرایی، تفسیری و هرمنوتیک در مطالعات مدیریت و سازمان»، فصلنامه راهبرد فرهنگ، ش ۱۹، صص ۱۰۵.
- گروه مطالعاتی دانشکده مدیریت راهبردی دانشگاه عالی دفاع ملی (۱۳۸۷). طراحی الگو و راهبرد مرزشکنی دانش، انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی
- گروه مطالعاتی دانشجویان دوره چهارم دانش دانشگاه عالی دفاع ملی، الگوی مدیریت راهبردی دانش‌برای اساس اسلام ناب، ۱۳۹۷
- معصومی‌مهر، حمیدرضا، (۱۳۸۹). فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت اسلامی، بهار و تابستان ۱۳۹۰.

- معین، محمد، (۱۳۴۳)، فرهنگ فارسی، تهران، موسسه انتشارات امیرکبیر، جلد دوم.
- منطقی، محسن، اکبری، ظاهر، (۱۳۹۲). مدیریت دانش با الهام از منابع اسلامی، اسلام و پژوهشهای مدیریتی، شماره ۷.
- موسوی، سیدمهدی، (۱۳۹۱). بنیان های تولید علوم انسانی اسلامی از منظر امام خمینی (رحمت الله علیه)، فصلنامه پژوهشهای فرهنگی و اجتماعی صدرا، شماره ۱.
- موسی خانی، محمد، (۱۳۹۲). مدیریت دانش دینی (دین بنیان): طرح مسأله ی مدیریت دانش در تمدن دینی، دو فصلنامه ی اسلام و مدیریت، شماره ۳.
- نظامی وند چگینی، هوشنگ؛ جلیلود، محمدرضا؛ مجله: نگرش اسلامی به مدیریت در مقابل مدیریت اسلامی اسلام و مدیریت « بهار و تابستان ۱۳۹۲ - شماره ۳ (۱۸ صفحه - از ۱۲۳ تا ۱۴۰)
- نعیم ابراهیم الظاهر (۲۰۰۹). إدارة المعرفة. دار عالم الکتب الحدیث. اربد الاردن. ص / ۷۸ . ۱
- نقی پورفر، ولی الله؛ موسوی مقدم، سید محمد؛ مجله: مدیریت فرهنگ سازمانی « بهار ۱۳۹۵، دوره چهاردهم - شماره ۱ علمی-پژوهشی /ISC (۲۴ صفحه - از ۲۰۳ تا ۲۲۶)
- همیلتون، کریستوفر (۱۳۸۸). معرفت شناسی، ترجمه رضا صادقی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی

## ب. منابع لاتین

- Abdul Ghafar, H. & H. Awang (۲۰۰۹). "Knowledge Management and its Impact on AL-Attas, S.M. and A.-N. Al-Attas, ۱۹۸۰. The Concept of Education in Islam: A Framework for an Islamic Philosophy of Education, Kuala Lumpur: Muslim Youth Movement of Malaysia (ABIM); (reprint, Kuala Lumpur: International Institute of Islamic Thought and Civilization (ISTAC) www.mef-ca.org/files/attas-textfinal. Pdf.
- Aarons, J. (۲۰۰۴). From Philosophy to Knowledge Management and Back Again. Federal Knowledge Working Group (KMWG). wiki. NASA. Retrieved ۲۰۱۲, from <http://wiki.nasa.gov/cm/>: [http://wiki.nasa.gov/cm/Federal Knowledge Working Group \(KMWG\).wiki/۱۰۰۱۸۶۷ main\\_Aarins J ۲۰۰۴. ABDUL](http://wiki.nasa.gov/cm/Federal Knowledge Working Group (KMWG).wiki/۱۰۰۱۸۶۷ main_Aarins J ۲۰۰۴. ABDUL)
- McMillan, J.H. and Schumacher, S. (۱۹۸۴). "Research in education: A Conceptual introduction", Boston: Little Brown and Company.
- Muhammad Adnan Waseem, (۲۰۱۳). Holy Quran; the Ultimate Source of Knowledge Management a Comparison Between KM Functional Model and IKM Functional Model
- Islamic Conceptualisation of (۲۰۱۱) Knowledge Management Review on Knowledge and Knowledge Management from the Islamic Ethical